

تغییر نظام آموزشی کشور

مقدمه

اهمیت ساختار نظام آموزشی کشور، ارتباط دوره‌های تحصیلی با یکدیگر و طول دوره‌های آموزشی، بر کسی پوشیده نیست. ساختار نظام آموزشی کشور از سال ۱۳۴۴ که طبق قانون تفکیک وزارت فرهنگ شامل سه دوره تحصیلی ابتدایی، راهنمایی و متوسطه شد، تاکنون تغییرات زیادی داشته است.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در جهت تأمین اهداف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور آموزش و پرورش به خصوص ساختار آموزشی، مورد توجه مسئولان قرار گرفت. در این راستا، طرح‌هایی نظیر «تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش^۱»، «تغییر نظام آموزش متوسطه^۲» و «پیش دانشگاهی^۳» مطرح شد. از آنجا که این طرح‌ها به دلایلی در

جهت تأمین اهداف مطلوب موفق نبودند، «طرح تغییر نظام آموزشی کشور در تاریخ ۱۳۸۷/۱۰/۲۰» از سوی نمایندگان مجلس، به مجلس شورای اسلامی ارائه شد.

مزایای طرح

۱. حذف دوره پیش‌دانشگاهی: حذف دوره پیش‌دانشگاهی و افزودن آن به دوره متوسطه و تبدیل دوره متوسطه به دوره‌های چهار ساله، با عنایت به این که امکان توزیع نیروی انسانی مجرب را در تمام سطوح دبیرستان متعادل می‌کند، از قوت‌های این طرح است. به این دلیل که هم اکنون نیروهای آموزشی مجرب‌تر جذب دوره پیش‌دانشگاهی می‌شوند، با اجرای این طرح، امکان توزیع متعادل نیروهای کیفی فراهم خواهد شد.

۲. اعتبار مدرک تحصیلی دیپلم: افزایش دوره تحصیلی به



اختلاف سنی زیاد بین دانش‌آموزان پایه اول با پایه ششم (با توجه به این که حداقل سن ورود به دبستان شش سال تمام و حداکثر سن ورود به پایه ششم ۱۶ سال تمام است)، به ویژه در مناطق روستایی و عشایری که معمولاً دانش‌آموزان در کلاس‌های چند پایه و مختلط (دختر و پسر) و با سنین متفاوت آموزش داده می‌شوند، مشکلات تربیتی و آموزشی عدیده‌ای را ایجاد می‌کند.

جمع‌بندی و پیشنهادها

تقریباً تمامی پژوهش‌ها و گزارش‌های کارشناسی موجود بر این نکته متفق‌اند که تغییر یکباره ساختار دوره‌های تحصیلی به لحاظ ترتیبات دوره‌ها، بدون انجام مطالعات کافی، دلایل روشن ندارد و بدون هماهنگی با سایر اهداف و زیرنظام‌ها، امری پرهزینه، زمان‌بر و کم‌فایده است. از این رو، اکثر صاحب‌نظران معتقدند، در این شرایط بهتر است از ورود به آن خودداری شود و تنها به رفع مشکلات ساختار فعلی پرداخته شود و با تغییر شکل ساختاری دوره‌ها به حد محدودتر و حذف دوره پیش‌دانشگاهی، فرصت مناسبی برای تغییر محتوا و روش آن در نظام آموزش و پرورش ایجاد کنیم. در صورتی که اصرار بر تصویب قانونی در این زمینه باشد، پیشنهاد تغییر عنوان و اصلاحات کلی در متن می‌شود؛ به نحوی که عنوان طرح به «تغییر ساختار دوره‌های تحصیلی» اصلاح شود و با تأکید بر این که دوره آموزش و پرورش رسمی کشور ۱۲ سال است، ذکر شود که این دوره مشتمل بر پنج سال دوره ابتدایی، سه سال دوره راهنمایی و چهار سال دوره متوسطه خواهد بود (با حذف دوره پیش‌دانشگاهی، یک سال به دوره متوسطه اضافه می‌شود).

زیرنویس

۱. قانون تفکیک وزارت فرهنگ، مصوب ۱۳۴۳.
 ۲. وزارت آموزش و پرورش، طرح تغییر نظام آموزش و پرورش، انتشارات آموزش و پرورش، ۱۳۶۷.
 ۳. وزارت آموزش و پرورش، طرح تغییر نظام آموزش و پرورش، ۱۳۶۹.
 ۴. طرح جدید آموزش متوسطه، مصوب ۱۳۶۹.
- این مطلب از وبلاگ Mh1342.blogfa.com برداشته شده است. صفحه وبلاگ معلمان را در این شماره ببینید.

۱۲ سال و اعتبار دیپلم به پایان دوره متوسطه ۱۲ ساله، از نتایج مثبت ماده ۱ خواهد بود؛ با توجه به این که ۵۶ درصد کشورهای جهان مدرک دیپلم را در پایان ۱۲ سال آموزش و ۷۹ درصد آن‌ها برای ۱۲ سال و بالاتر آموزش صادر می‌کنند.

۳. با توجه به این که سن مشمولان نظام وظیفه در ایران ۱۸ سال است، طول دوره‌های تحصیلی ۱۲ سال و سن شش سالگی برای ورود به دبستان مناسب است، بنابراین، ارائه دیپلم در سن ۱۷ سالگی و کمتر، موجب اتلاف سرمایه انسانی و عوارض نامطلوب اجتماعی می‌شود؛ وضعیتی که هم اکنون برای اغلب فارغ‌التحصیلان فنی و حرفه‌ای و کاردانش اتفاق می‌افتد که این طرح آن را رفع می‌نماید. این مزیت انحصاراً به حذف دوره پیش‌دانشگاهی و شروع تحصیل شش سالگی مربوط است.

معایب طرح

۱. شواهدی مستند و پژوهشی، مبنی بر تبدیل دوره پنج ساله ابتدایی به شش ساله وجود ندارد. هم چنین، اسناد پشتیبان سند تحول راهبردی، به ویژه سند بنیان نظری تحول راهبردی، این موضوع را تبیین نمی‌کند که تحول بنیادین نظام آموزشی و پرورشی، لزوماً باید از تغییر ساختار دوره‌های تحصیلی آغاز شود.

۲. فرض است که تحول بنیادین نظام آموزشی به محتوا، روش‌ها و نیازهای مبتنی بر شرایط کنونی و آینده نظام اسلامی مربوط است، نه ساختار. در واقع، در این طرح، جای موادی که به نیازهای محتوایی آموزش و پرورش توجه کند، خالی است. به علاوه، سرمایه‌گذاری نظام آموزش و پرورش روی شکل ساختار دوره‌ها، می‌تواند مانعی بر سر راه تغییر محتوا باشد.

۳. تحول در نظام آموزش و پرورش، شامل تغییر و اصلاح مؤلفه‌ها و متغیرهای اصلی آموزش و پرورش همانند هدف‌ها، فرایندهای یاددهی - یادگیری، خرده نظام‌های برنامه درسی، تربیت، تأمین و نگهداشت نیروی انسانی، تعیین کارکردهای نظام آموزشی در رابطه با جامعه، فرد، خانواده، ساختار فرهنگی و سیاسی است. اسناد مربوط به خرده نظام‌های مربوط، برای تحول بنیادین نظام آموزش، هنوز تدوین و نهایی نشده است. لذا اجرایی کردن تحول بنیادین و یا تحول راهبردی در نظام تربیت رسمی و عمومی، با تغییر ساختار دوره‌ها، نوعی شتابزدگی در این مسیر است. بر این پایه، در مرحله کنونی طراحی تغییر نظام شتابزدگی یک ضعف تلقی می‌شود.

۴. با نگاه به ارتقای شاخص باسوادی در کشور، اقتضا دارد که تا پایان دوره‌های اول و دوم، آموزش و پرورش عمومی رایگان و اجباری شود. این مهم در طرح پیشنهادی لحاظ نشده است.

۵. طرح پیشنهادی در خصوص طول مدت آموزش اجباری، به طور واضح موضع‌گیری نکرده است.

۶. مشکلات اجرایی متعددی در طرح دیده می‌شود؛ از جمله این که آموزش و پرورش در کوتاه مدت امکان تأمین و آموزش معلمان به ویژه برای پایه‌های ششم ابتدایی و سوم راهنمایی را ندارد.

۷. تفاوت سنی دانش‌آموزان ابتدایی از پایه اول تا پایه ششم ابتدایی، موجب ایجاد مشکل اجرایی و تربیتی می‌شود. این